

سرزمین سنگ‌ها



نویسنده: محمد محمدی امین
تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی



سرزمین سنگ‌ها

نویسنده: محمد محمدی امین

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

ناشر: انتشارات مسجدنا

چاپ: اول، تیر ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

گروه سنی: ب و ج

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان





سرزمین سنگ‌ها

مدیریت پژوهش مرکز رسیدگی به امور

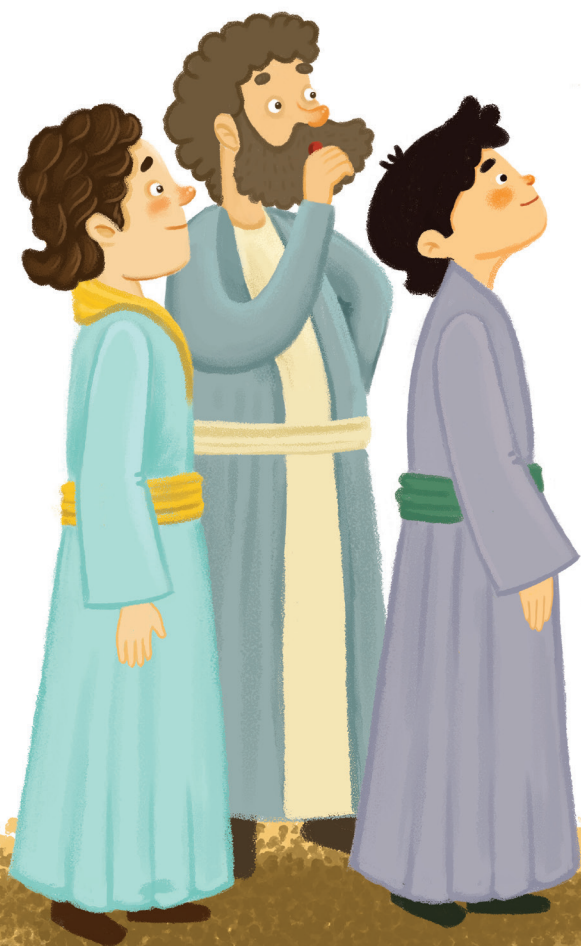
مساجد خراسان

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

نویسنده: محمد محمدی امین



در سرزمینی خشک و گرم، میان کوه‌های عظیم و صخره‌های تراشیده شده بر اثر گذر زمان، قومی زندگی می‌کرد به نام «ثمود». آن‌ها خانه‌هایشان را در دل کوه‌ها می‌تراشیدند؛ خانه‌هایی امن و محکم که از گرما و سرما در امان باشند. ثمودیان قوی و ثروتمند بودند، اما قلب‌هایشان به جای نرمی، مانند سنگ‌های بیابان سخت شده بود. در میان آنان، مردی بود به نام صالح. او متفاوت بود؛ مهربان، خردمند و راستگو. مردم به حرف‌هایش گوش می‌دادند، تا اینکه روزی خداوند او را به پیامبری برگزید.



خداوند مهربان حضرت صالح(ع) را به پیامبری انتخاب کرد و به او دستور داد تا مردم را هدایت کند. صالح به میان قومش رفت و فریاد زد: «ای مردم! تنها خدای یکتا را پرستید. اوست که شما را پس از نابودی قوم سرکش عاد، جانشین این سرزمین کرد. عبرت بگیرید تا نابود نشوید!» اما ثروتمندان و متکبران قوم، خندیدند. یکی از آنان با تمسخر گفت: «ما چطور باید از انسانی مثل خودمان اطاعت کنیم؟ چرا خدا از میان همه‌ی ما، فقط او را انتخاب کرده؟! آنها شروع به آزار و اذیت صالح کردند و او را مسخره کردند.





روزی، بزرگان قوم نزد صالح آمدند و گفتند:
«اگر راست می‌گویی و پیامبر هستی، معجزه‌ای
نشانمان بده!»

صالح به آن‌ها گفت چه معجزه‌ای می‌خواهید؟
آن‌ها گفتند اگر راست می‌گویی از درون این
کوه شتری بیرون بیاور!

حضرت صالح(ع) به دعا پرداخت و پاسخ
خداوند آمد: «ما آنان را آزمایش خواهیم کرد.
معجزه‌ات شتری خواهد بود که از دل همین
کوه سنگی بیرون می‌آید، بدون آنکه پدر و
مادری داشته باشد. اما به آنان بگو: یک روز
آب این سرزمین برای شماست و روز بعد، تنها
برای این شتر. و بدانید که اگر آسیبی به شتر
برسانید، عذابی دردناک در انتظارتان است.»





روز موعود فرا رسید. تمام قوم در پای کوه جمع شده بودند. ناگهان، کوه به لرزه درآمد و از دل سنگ‌های عظیم، شتری بزرگ با چشمانی درخشان بیرون آمد. نفس همه در سینه حبس شد. این یک معجزه بود؛ شتری که مستقیماً از قدرت بی‌پایان خداوند متولد شده بود. صالح به مردم هشدار داد: «به این شتر آسیب نرسانید! یک روز از آب بنوشید و روز بعد را به او واگذارید. اگر فرمان خدا را نادیده بگیرید، هلاک خواهید شد.»



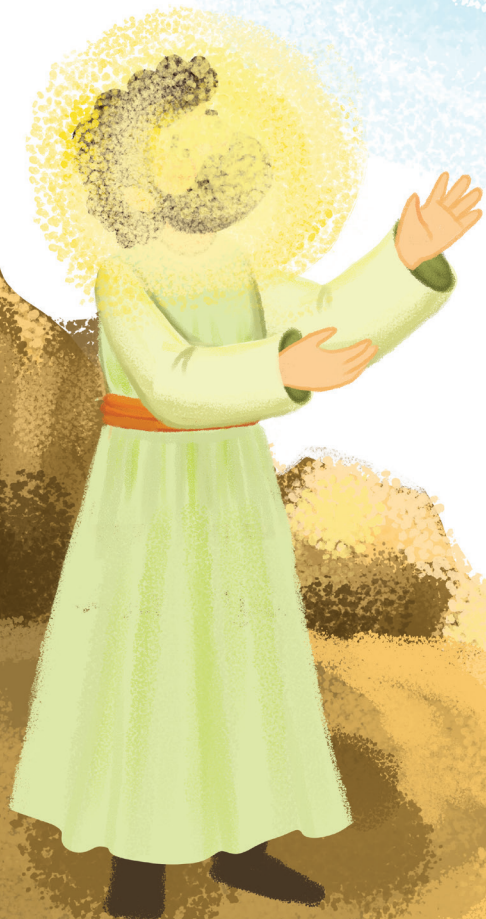


برای مدتی، همه چیز به خوبی پیش رفت. قوم ثمود آب چشمه را با شتر تقسیم کردند. اما ثروتمندان قوم که از تقسیم آب ناراضی بودند، در خلوت نقشه کشیدند. آن‌ها مردی شرور و سنگدل به نام «قَدار» را انتخاب کردند تا شتر را از بین ببرد.

روز جنایت فرارسید. روزی که نوبت شتر بود تا از آبشخور بنوشد، قَدار با شمشیرش کمین کرد و در یک لحظه، معجزه خداوند را به خاک و خون کشت. صالح با چشمانی اشکبار به میان قوم آمد و گفت: «هشدارتان داده بودم! حالا فقط سه روز فرصت دارید. پس از آن، عذاب خداوند فرامی‌رسد.»



بعد از سه روز عذابی نازل شد و هیچ
جنبنده‌ای در شهر سنگی نمود باقی نمانده
بود. تنها خانه‌های خالی و خاموش در دل
کوه‌ها باقی ماند تا درس عبرتی برای
تمام انسان‌ها باشد.

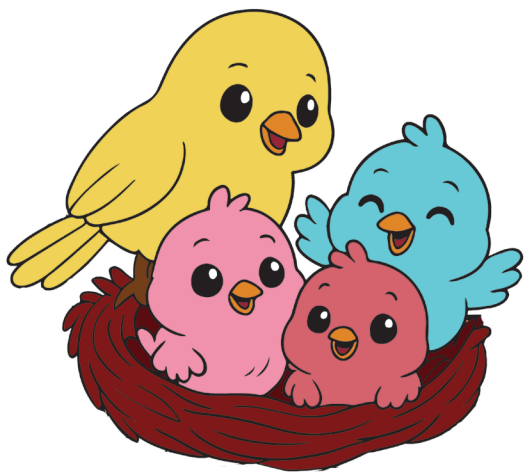


قرآن کریم:

«يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أََرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ
فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ»

«ای قوم من این ناقه خداوند است که برای شما نشانه‌ای است، بگذارید
در زمین خدا به چرا مشغول شود، هیچ گونه آزاری به آن نرسانید که
عذاب خدا شما را خواهد گرفت.»

«سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶۴»





مرکز پخش: مشهد مقدس، خیابان دانشگاه، خیابان گلستان غربی، ساختمان
محراب. شماره تماس: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۲۶



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان های خراسان